

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۳ جون ۲۰۱۳

## یورش سیاسی طالبان، ذلت کرزی و شکست امریکا در افغانستان

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اولین سایت و سازمان نشراتی در داخل و خارج کشور بود که جریان افتتاح دفتر طالبان را مورد تبصره قرار داد. دانشمند گرانمایه آقای موسوی مضمونی تحلیلی به ارتباط این موضوع به نشر سپرد که بر مبنای آن مضمون کنونی را خدمت هم میهنان تقدیم می نمایم.

تحریک طالبان به تاریخ ۱۸ ماه جون سال جاری دفتر خود را در دوهه، مرکز قطر باز کرده و مذاکرات برای تأمین "صلح" را در افغانستان با امریکا آغاز نمودند. بعد از مدت تقریباً ۱۲ سال تجاوز و کشتار، امریکا بالاخره نزد طالبان زانو زد و حاضر به مذاکره با گروهی شد که نزد واشنگتن تروریست و دشمن بشریت بودند. آیا می توان این را یک شکست بزرگ سیاسی و نظامی برای قدرت "اول" جهان و پیروزی سیاسی برای تحریک طالبان دانست؟ آیا امریکا کرزی را به استهزاء گرفته و او را به زباله دان تاریخ حواله خواهد داد؟ دولت مستعمراتی کرزی یک روز بعد از موافقت در مذاکرات صلح سه جانبه، به یک بارگی از صحنه کنار رفت و آن را محکوم نمود. مشکل در ظاهر از آن جا آغاز شد که طالبان نام دفتر خود را "دفتر سیاسی امارت اسلامی" گذاشته و بیرق دوران حاکمیت خود را بر فراز آن برافراشتند. کرزی همچنان مذاکرات امریکا با طالبان را محکوم نموده و ادعا نمود طالبان با عناصر خارجی در سازش اند تا حکومت وی را بی ثبات سازند. علی رغم این، امریکا اعلام کرد که به مذاکرات خود با طالبان ادامه خواهد داد و در صورت "ضرورت" با حکومت کرزی مشوره خواهد نمود. با وجودی که بیرق طالبان دوباره پائین آورده شد، با آن هم طالبان افتتاح دفتر خویش را در قطر زاده موفقیت شان در صحنه جنگ می پندارند و همچنان اعلام کردند تا پیروزی نهائی و خروج قوای اشغالگران به نبرد ادامه خواهند داد. مخالفان آشتی با طالبان اظهار می کنند که افتتاح دفتر طالبان در قطر، نوع دولت مماثل را جلوه داده که می تواند که در مجموع شدیدترین ضربه بر حکومت مستعمراتی کرزی تلقی گردد.

طالبان در ظاهر دو وعده را به امریکا دادند: اول این که، طالبان به هیچ کسی اجازه نخواهند داد که از خاک افغانستان امنیت سایر کشورها را تهدید نماید. دوم این که، برای حل بحران افغانستان از طریق سیاسی و صلح آمیز اقدام خواهند کرد. هر دو وعده طالبان زیرکانه طرح شده که گویا طالبان دولت افغانستان اند، نه حکومت فعلی کرزی. امریکا هم به این وعده ها بسنده نموده و حاضر به مذاکره با تحریک طالبان گردید. بدون کمترین تردید، یک قرارداد مخفی بین

امریکا، طالبان و کرزی به امضاء رسیده که هنوز محتویات آن مخفی نگهداشته شده است، طوری که قرارداد مخفی احمد شاه مسعود با قوای اشغالگر شوروی برای چند سالی از انظار پنهان بود. در این جا از پیروزی دیپلماسی پاکستان باید یادآور شد. هر قدمی که طالبان برداشته اند، حمایت اسلام آباد را با خود داشته که سرانجام به پیروزی سیاسی طالبان منجر گردیده است.

عقب نشینی تاکتیکی و شاید هم ستراتژیک امریکا که می تواند یک شکست تلقی گردد، بر چند دلیل استوار است:

- امریکا سخت در مضیقه سیاسی و نظامی در افغانستان قرار داشته و میکوشد که خود را از باتلاق افغانستان آهسته آهسته خارج گرداند، اما می دانیم که امریکا قسمتی از قوای خود را در مراکز عمده نظامی در افغانستان باقی خواهد گذاشت. او باما در اجتماع سران هشت کشور در ایرلند اظهار داشت که "افتتاح دفتر طالبان قدم مهم اول به سوی آشتی دوباره بوده، اما راه دشواری در پیش خواهد بود." اظهار عقیده رئیس جمهور امریکا به ارتباط باز شدن دفتر طالبان، در ماندگی امریکا و ناچیز شمردن دولت مستعمراتی کرزی را به اثبات می رساند.
- مصارف کمرشکن نظامی، نامتوازن بودن اقتصاد امریکا، بلند بردن سطح بیکاری و افزایش نارضایتی مردم در این کشور، و اشنگتن را وادار به تجدید نظر در روش خود نسبت به افغانستان نموده است. حتی جمهوری خواهان دست راستی چهار آتشه در کانگرس روی اجبار های اجتماعی و اقتصادی، خواستار تسریع خروج قوای امریکا از افغانستان شده اند.
- سیر روابط بین المللی حالی می کند که قدرت های بزرگ نه دوست دایمی دارند و نه دشمن دایمی. هر زمانی که منافع شان ایجاب کند دوست را به دور می اندازند و دشمن را در آغوش می کشند. پیش چشمان کور جیره خوران استعمار، قدرت های استعماری صد ها تن از افراد دست نشانده خود را در واپسین حیات سیاسی شان یا نابود کردند و یا در ذلت دایمی قرار دادند که دیگر رمقی در وجود شان برای تبارز دوباره باقی نگذاشته است. قدرت های استعماری صد در صد سرسپردگی می خواهند و کمترین بی اطاعتی و سرکشی را نمی پذیرند. این که کرزی می خواهد با بعضی گفتار های ضد امریکائی برای خود هویت ملی کسب نماید، سرابی بیش نیست. واقعاً که تاریخ هر چند باری تکرار می شود و چهره های خوب و زشت افراد نمایان می گردد. روز های اخیر نجیب هم شبیه به حالت کنونی بود. با داران اجنبی اش او را تنها گذاشتند تا این که در زیر چرخ کوبنده تاریخ خرد و خمیر گردید. رهبران تحمیلی نظام های مستعمراتی نه تعقل دارند و نه از تاریخ می آموزند.
- برای نظامیان تندخو و متجاوز امریکا، هر نوع مذاکره با دشمن به منزله شکست است. این که نظامیان امریکا تا حال صدای اعتراض را بلند نکرده اند ثابت می نماید که ۱۲ سال تجاوز و کشتار برای نصب و نگهداشتن یک نظام مزدور در کابل با صرف بیلیون ها دالر و حمایت از چند دزد و قاتل شهرت جهانی امریکا را شدیداً زده است.
- امریکا طرح های مهمتری در سطح منطقه دارد. اول این که خود را در یک رویائی نظامی با چین در حال صعود آماده می سازد. امریکا پیمان های متعدد نظامی و سیاسی با کشور های جنوب و شرق آسیا بسته تا چین را مانند شوروی دوران جنگ سرد در محاصره بکشاند. دوم این که امریکا سعی دارد که بیشتر بر ایران فشار اقتصادی و نظامی وارد کرده که در این صورت یک نظام طالبی بهتر می تواند به ستراتژی امریکا کمک نماید. باید اظهار داشت که بعد از سقوط اسد در سوریه، احتمالاً که امریکا کار ایران را به نفع اسرائیل هم یک طرفه خواهد کرد. برخورد منافع بین مسکو و واشنگتن را هم نباید نادیده گرفت. امریکا

تلاش دارد که از برگشت دنیائی روسیه جلوگیری کرده و موانع عمده سر راه روسیه خلق نماید. مسکو می داند که برگشت احتمالی طلبان به قدرت، منافع این کشور را در افغانستان صدمه زده و امنیت کشور های آسیای مرکزی را زیر سؤال خواهد برد. پس برای طراحان سیاسی امریکا، بهتر خواهد بود که از بحران افغانستان خود را قدم به قدم و بر حسب طرح های معین دور ساخته و برای تعرضات سیاسی و نظامی مهم آینده آماده شوند.

- تغییر نظام های غیر مذهبی (سیکولار) دوست و یا سرکش در بعضی های کشور های شمال افریقا و شرق میانه مانند تونس، مصر و لیبیا نشان دهنده این جریان است که امریکا ممکن یک نظام مذهبی تابع واشنگتن را بر یک نظام سیکولار ترجیح داده و منافع خود را در تحکیم سیستم های تیوکرات که بتواند مردم را در بند کشیده و صدای آزادی خواهی را در نطفه خفه کنند، می جوید. آشتی با طالبان و برگشت این گروه می تواند بر این برداشت صحنه بگذارد.

- امریکا و قدرت های استعماری اروپائی سعی می ورزند راه خود را به سوی افریقا باز نموده و نبرد جهانی را با رقبای خود به آن قاره بکشانند. برخورد منافع سیاسی و اقتصادی بین غرب و چین در افریقا رو به تزاید است که در نهایت رویارویی نظامی را هم در بر خواهد داشت. چین سرمایه گذاری های قابل توجهی در افریقا کرده که از چشمان قدرت های استعماری غرب دور نمانده است. بنابراین، کنار آمدن با طالبان و قربان ساختن یک مشت جیره خوار در کابل جزء طرح واشنگتن برای یورش های بعدی امریکا در سطح جهانی خواهد بود.

حکومت مستعمراتی کرزی در آغاز همکاری خود را در مذاکرات سه جانبه امریکا- طالبان - حکومت کابل در قطر اعلام کرد، اما برافراشته شدن بیرق "امارت اسلامی طالبان" بر فراز دفتر شان در دوهه، کرزی را ظاهراً خشمگین ساخته که در نتیجه نظر به فشار امریکا، روز بعد قطر بیرق طالبان را فرود آورده و لوحه دفتر را هم از دیوار دور کرد. اما فکر می کنم که تغییر جهت کرزی دلایلی دیگری هم در خود دارد:

- حامد کرزی تلاش دارد که هویت خود را منحصیث یک افغان با شرف و مهین دوست اعلام بدارد. حرکات و زبان بازی های مزروانه اش با مقامات امریکائی صرفاً برای فریب مردم کشور است.

- کرزی با کله شخی های ساختگی می خواهد امتیازی از امریکا به دست آورد. کرزی می داند که مانند نجیب و امین مرگ احتمالی روزی در انتظارش خواهد بود. کمتر دیده شده که زمامداری در افغانستان جان به سلامت برده باشد. لذا با ناز و نزاکت و قهر های بچه گانه، خواستار تمدید حیات خود از امریکا شده است.

- فشار مخالفان صلح در داخل، بالاخص قاچاقچیان مواد مخدره، جنگ سالاران، گروه شورای نظار و جمعیت اسلامی و دزدان حرفه ئی که زوال خود را در افق مشاهده می نمایند، کرزی را وادار ساخته است تا با تاکتیک "یک قدم پیش و یک قدم پس" وارد معرکه شود.

- فشار کشور های همجوار خصوصاً هند و ایران که از نفوذ قابل ملاحظه ای در افغانستان برخوردارند، کرزی را مجبور ساخته است که محتاطانه عمل نماید. هند و ایران باز شدن دفتر طالبان را در قطر پیروزی دیپلماسی پاکستان در افغانستان و منطقه می پندارند. برگشت طالبان در اریکه قدرت زنگ خطری برای ایران، هند و حتی روسیه تلقی می گردد.

افغانستان در آستانه تحول دیگر سیاسی قرار دارد که منافع مردم ما را بار دیگر زیرپا قرار خواهد داد. نیرو های ملی و انقلابی باید از خواب عمیق برخیزند و به ضد هرگونه توطئه و دسیسه قیام نمایند. خاموشی و بی تفاوتی خیانت عظیم ملی است.